

تحلیل ماهیت اعتبار اسنادی

سید حسن آقامیری*

چکیده

روش‌های پرداخت بین‌المللی، ابزارها و سازوکارهایی هستند که از طریق آنها خریدار بهای کالاها یا خدمات موضوع معامله را به فروشنده یا عرضه‌کننده پرداخت می‌نماید. تأسیس چنین روش‌هایی با انگیزه تسهیل در روابط تجاری همیشه مورد توجه بوده و همواره مورد حمایت فعالان تجاری است. یکی از رایج‌ترین روش‌های پرداختی، اعتبار اسنادی (LC) است. اساساً میزان به‌کارگیری از یک روش پرداختی همبستگی فراوانی با آشنایی به ماهیت و چگونگی عملکرد آن دارد؛ بدین‌روی، در این پژوهش سعی خواهد شد تا حدودی نسبت میان این روش پرداختی با نهادهای حقوقی دیگر تبیین شود. به‌طور کلی، دو رویکرد عمومی در خصوص تحلیل ماهیت اعتبار اسنادی وجود دارد. در رویکرد نخست تلاش می‌شود اعتبار اسنادی را در قالب عقود معین بررسی نمایند؛ حال آنکه رویکرد دیگر، درصدد تحلیل نوینی از آن است.

واژگان کلیدی: اعتبار اسنادی، تبدیل تعهد، حواله، نمایندگی.

طبقه‌بندی JEL: K49, F49.

۱. مقدمه

یکی از موضوع‌های اساسی هر قرارداد بین‌المللی، بهای قرارداد است که بایستی در مقابل تسلیم کالا یا ارائه خدمات فروشنده کالا یا ارائه‌کننده خدمات پرداخت شود. بهای هر قراردادی ممکن است به روش‌های گوناگونی تعیین و پرداخت شود که بسته به نوع معامله و طرفین قرارداد اشکال متنوعی پیدا خواهد نمود. «حجم زیاد و ارزش فراوان کالاهایی که بین بازرگانان بین‌المللی مورد معامله قرار می‌گیرد مانع از آن می‌شود که خرید و فروش به صورت نقدی انجام پذیرد، مضافاً اینکه این معاملات به صورت نقدی همیشه منافع اقتصادی طرفین معامله را تأمین نمی‌نماید، زیرا باید در نظر داشت که از زمان انعقاد قرارداد فروش کالا تا زمان دریافت آن به وسیله خریدار مدتی می‌گذرد. در این فاصله برای خریدار صرفه اقتصادی ندارد که بهای کالا را پرداخته، اما آن را در اختیار نداشته باشد.»^۱ اینکه طرفین در یک معامله بین‌المللی در جهت اجرای تعهدات پرداختی خویش چه سازوکار پرداختی را اتخاذ نمایند، به علل متعددی بستگی داشته که عبارتند از: بُعد جغرافیایی، مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نبود اطلاع از وضعیت و حسن شهرت تجاری یکدیگر. در صحنه‌های پُررونق تجاری امروزی از طریق اعتبارات اسنادی^۲، کالا، خدمات و همچنین حقوق و امتیازات پرداخت و تضمین می‌شود. البته در کنار این طریق پرداختی، روش‌های دیگری نیز وجود دارد که به دلیل ریسک بالای آنها تمایل بدان‌ها پایین است. مهم‌ترین آنها روش حساب باز،^۳ پیش‌پرداخت،^۴ پرداخت به شیوه وصولی (وصولی اسنادی/وصولی ساده)^۵ و پرداخت نقدی در زمان تحویل^۶ است. «مهم‌ترین و رایج‌ترین روش پرداخت بین‌المللی، اعتبار اسنادی است که با وساطت بانک‌ها منافع فروشنده و خریدار به نحو مطمئنی تضمین و نگرانی‌های آنها رفع می‌شود. بانک به فروشنده تعهد می‌دهد چنانچه اسناد مقرر در اعتبار اسنادی ارائه شده و شرایط یادشده در آن محقق شود، مبلغ اعتبار را به وی پرداخت کند»^۷.

۱. افتاده. (۱۳۷۶). ص ۷۰.

2. Letter of Credit (LC)
2. Open Account
3. Payment in Advance
4. Documentary Collection
5. Cash on Delivery

۷. شیروی. (۱۳۹۰). ص ۲۴۷.

در مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی ۶۰۰ در خصوص اعتبار اسنادی، تعریفی ارائه نشده، تنها در ماده ۲ آن، واژه اعتبار بدین شکل تعریف شده: «هرگونه ترتیبیاتی، به هر نام یا توصیفی که در برگیرنده تعهد قطعی و برگشت‌ناپذیر بانک گشاینده نسبت به پذیرش پرداخت اسناد ارائه شده طبق شرایط اعتبار است.»^۱ در این مقاله تلاش می‌شود، پس از آشنایی مختصر با ماهیت اعتبار اسنادی، نسبت آن با نهادهای دیگر حقوقی سنتی و مدرن مقایسه شود.

۲. ماهیت اعتبار اسنادی

همان‌طور که در مقدمه بیان شد، منظور از اعتبارات اسنادی، تمهید وسیله‌ای برای پرداخت‌های بازرگانی است. مطابق این شیوه، خریدار قرارداد پایه^۲ پس از پایان مذاکرات مقدماتی در خصوص موضوع و اوصاف مورد معامله و میزان بهای قراردادی (عوض قرارداد)،^۳ درباره چگونگی پرداخت عوض و ثمن معامله توافق می‌کند. «در صورتی که متعاملین در مورد پرداخت از طریق روش گشایش اعتبار اسنادی تراضی نمایند، خریدار موظف خواهد بود با مراجعه به یکی از بانک‌های مستقر در محل اقامت خویش، تقاضای گشایش اعتبار را به نفع ذینفع عقد پایه (فروشنده) نمایند. بانک در راستای چنین درخواستی متعهد می‌شود در صورت ارائه اسناد حمل (از جمله بارنامه) و تطبیق آن با شرایط اعتبار، مبلغ را به وی پرداخت کند.»^۴ تعهد بانک، یک تعهد مشروط و غیرقابل برگشت^۵ است. به این دلیل مشروط است که بایستی حتماً اسناد حمل از ناحیه ذینفع به بانک تسلیم شده و بانک پس از ملاحظه اسناد موظف به پرداخت خواهد شد. «و از این جهت غیرقابل برگشت است که بانک نمی‌تواند تعهد خود را بدون موافقت و رضایت ذینفع لغو نماید.»^۶ «در اعتبارات اسنادی دو اصل مهم حاکم بوده که

۱. مطالعه بیشتر ر.ک: Thanuja Rodrigo. (2011).

۲. قرارداد پایه رابطه حقوقی است که طبق آن متقاضی اعتبار و ذینفع توافق می‌کنند که پرداخت از طریق بانک و با روش اعتبار اسنادی صورت گیرد. در واقع، اساس معامله اسنادی، قرارداد مبنایی است که در آن شرط پرداخت از طریق اعتبار اسنادی و لزوم تحویل دیگر مدارک تصریح می‌شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: رفیعی، محمد تقی، تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران، نشریه اندیشه‌های حقوقی، ۱۳۸۶، ش ۱۲، ص ۶۰)

3. Consideration

4. Joseph Story. (4ed-1860).

5. Irrevocable

6. Jeffrey S. Wood. (February 2008).

به اصل استقلال^۱ و اصل انطباق دقیق^۲ معروف هستند. بر اساس اصل استقلال، اعتبار اسنادی از عقد پایه میان خریدار و فروشنده مستقل بوده و بانک نمی‌تواند در مقابل ذینفع به ایرادات مندرج در عقد پایه استناد کند؛ در واقع، با گشایش اعتبار اسنادی، بانک دیگر به روابط حقوقی فی‌مابین متعاقدين عقد اصلی توجه نخواهد نمود و مطابق اصل تطبیق دقیق، اسناد حمل بایستی با شرایط اعتبار مطابقت داشته باشد و گرنه بانک تعهدی به پرداخت مبلغ اعتبار نخواهد داشت.^۳ در واقع، «بانک حق خواهد داشت اسنادی را که از طرف فروشنندگان ارائه می‌شوند و مشتمل بر تمامی مشخصات یادشده در اعتبار اسنادی نیستند، رد کند».^۴ البته، گفتنی است که در پرونده آمریکایی در خصوص مطابقت چنین آمده که: «مطابقت با شروط یک اعتبار اسنادی شبیه کوبیدن نعل اسب نمی‌باشد».^۵ در اعتبارات اسنادی بانک تعهد به پرداخت وجه اسناد حمل به ذینفع اعتبار را دارد، متقاضی اعتبار نیز تعهد پرداخت وجه به بانک بازکننده اعتبار را دارد. «تنها موردی که بانک از پرداخت مبلغ اعتبار خودداری می‌کند، فرض تحقق تقلب است که بانک برای احراز آن بایستی ضابطه نوعی را لحاظ نماید. بدین ترتیب لازم خواهد بود که ثابت شود که ذینفع قصد فریب داشته یا اینکه با سوء نیت عمل کرده است. چنانکه بانک مطمئن باشد تقلبی صورت گرفته، می‌تواند از پرداخت وجه خودداری نماید».^۶ در مطالب پیش‌گفته، منظور از اعتبار اسنادی، اعتبار اسنادی عادی یا تجاری است؛ زیرا گاهی در متون حقوقی از اعتبار اسنادی یاد می‌شود که معروف به «اعتبار اسنادی تضمینی» است که به‌رغم شباهت ظاهری آن با اعتبار اسنادی عادی، تفاوت‌های متعددی دارد. «اعتبار اسنادی تضمینی یا انتظاری همانا اعتباری است که مستقیماً به عنوان وسیله پرداخت در مبادلات تجاری تلقی نمی‌شود؛ بلکه به عنوان تضمین اصل تعهد یکی از طرفین معامله تلقی می‌شود؛ در حقیقت با عدم انجام موضوع تعهد از ناحیه متعهد و درخواست متعهدله، بانک مکلف به پرداخت موضوع تضمینی می‌شود».^۷ البته، اعتبار اسنادی

1. Autonomy of Letters of Credit

2. Doctrine of Strict Compliance

۳- ر.ک: اشمیتوف. (۱۳۷۸).

۴- همان، ص ۶۲۶.

5. Fidelity National Bank V Dade County. (March 2007).

6. Jean Stoufflet. (2001-2002). PP 21-28.

7. John F. Dolan. (2002). pp1-31.

را به انواع دیگری نیز تقسیم‌بندی می‌کنند که هر یک در معاملات مختلف و حسب نیاز بازرگانان، استفاده می‌شود. «انواع اعتبارات اسنادی بدین قرار است: ۱. اعتبار اسنادی برگشت‌پذیر و برگشت‌ناپذیر، ۲. اعتبار تأییدشده و تأییدنشده، ۳. اعتبار قابل انتقال و غیرقابل انتقال، ۴. اعتبار اسنادی متقابل، ۵. اعتبار اسنادی گردان و ۶. اعتبار با شرط قرمز.»^۱

۳. تحلیل کلاسیک ماهیت اعتبار اسنادی

برخی از اندیشمندان به منظور تبیین ماهیت اعتبار اسنادی اقدام به مقایسه آن با بعضی از عقود معین سنتی می‌نمایند که در زیر به بخشی از آنها اشاره خواهد شد.

۳-۱. نسبت میان اعتبار اسنادی و نیابت

نیابت^۲ یکی از عقود تأسیس‌شده در حقوق فرانسه است که در خصوص معنا و مفهوم آن دو دیدگاه اشاره شده است. «اکثریت حقوقدانان قائل بدان می‌باشند که آن به معنای نمایندگی در انجام تعهد به نفع دیگری می‌باشد، لکن یکی از حقوقدانان آن را به معنای نیابت در وصول تعبیر نموده است.»^۳ اساساً نیابت بر دو نوع تقسیم می‌شود؛ نیابت کامل^۴ و نیابت ناقص.^۵ در نیابت کامل با تحقق آن، منوب منوب‌عنه از مسئولیت بری می‌شود؛ حال آنکه در نیابت ناقص منوب‌عنه نیز به همراه نایب مسئولیت دارد.

در خصوص اینکه آیا اعتبار اسنادی به نوعی نیابت تلقی می‌شود، بدین نحو که متقاضی گشایش اعتبار به بانک نیابت می‌دهد که تعهدی به نفع ذینفع ایجاد کند، بایستی بیان نمود که اولاً، در تحقق نیابت یا نمایندگی، رضایت هر سه طرف عقد ضروری است. یعنی باید هر سه منوب‌عنه، نایب و منوب‌له نسبت به تحقق عقد توافق نمایند؛ درحالی که در اعتبار اسنادی صرف رضایت بانک و ذینفع برای منعقدشدن آن کفایت می‌کند. ثانیاً، در نهاد نمایندگی کامل، همان‌طور که گفته شد، با تحقق نیابت، منوب‌عنه از مسئولیت مبرا می‌شود، در حالی که در اعتبار اسنادی متقاضی گشایش

۱. ر.ک: سماواتی، (۱۳۸۲).

2. Delegation

۳. اسکینی، (۱۳۷۳)، ص ۲۵ و لنگرودی، (۱۳۵۴)، ص ۱۵۶

4. Delegation Parfaite

5. Delegation Imperfaite

اعتبار همچنان مسئول شناخته می‌شود.

۳-۲. نسبت اعتبار اسنادی با حواله

حواله یکی از عقود است که سابقه دیرینه‌ای در فقه امامیه دارد. ماده ۷۲۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «حواله عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می‌شود.»^۱ مطابق این تحلیل، اعتبار اسنادی مشابه حواله تلقی می‌شود. بدین صورت که متقاضی گشایش اعتبار، ذینفع را حواله می‌دهد که طلب خود را (ثمن عقد پایه) از بانک مطالبه کند.

در پاسخ به این نظر، دلایل متعددی ارائه شده است که عبارتست از:

- اولاً، حواله از جمله عقود رضایی است که برای تحقق آن صرفاً نیاز به ایجاب و قبول بوده، در حالی که اعتبار اسنادی از عقود تشریفاتی^۲ تلقی می‌شود.
- ثانیاً، با تحقق حواله، ذمه محیل از دین بری می‌شود و او دیگر مسئولیتی نسبت به پرداخت مبلغ دین ندارد؛ حال آنکه در اعتبار اسنادی، متقاضی گشایش اعتبار همچنان مسئول است.
- ثالثاً، «به موجب ماده ۷۳۳^۳ قانون مدنی، در صورت احراز بطلان عقد اصلی، حواله نیز باطل می‌شود»،^۴ در صورتی که در اعتبار اسنادی همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، یکی از ویژگی‌های اصلی آن استقلال از عقد پایه است و اساساً بطلان تعهد منشأ تأثیری در آن ندارد.

۱. قاسم‌زاده و همکاران. (۱۳۸۹). ص ۲۴۵.

۲. در یک تقسیم‌بندی از عقود، عقد به دو دسته رضایی و تشریفاتی دسته‌بندی می‌شود. عقد رضایی قراردادی است که به صرف توافق اراده طرفین واقع می‌شود؛ در حالی که برای تحقق عقد تشریفاتی علاوه بر شرایط اساسی صحت معامله، باید تشریفات خاصی از جمله استفاده از الفاظ معین، ثبت قرارداد و یا غیره به کار بست (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: صفایی. (۱۳۸۴).

۳. ماده ۷۳۳ قانون مدنی: «اگر در بیع بایع حواله داده باشد که مشتری ثمن را به شخصی بدهد یا مشتری حواله داده باشد که بایع ثمن را از کسی بگیرد و بعد بطلان بیع معلوم شود، حواله باطل می‌شود و...»

۴. کاتوزیان. (۱۳۸۵). عقود اذنی-وثیقه‌های دین. ص ۴۳۰.

– رابعاً، «حواله در برخی مواقع امکان فسخ شدن را دارد؛ چنانچه ماده ۷۲۹^۱ قانون مدنی به امکان فسخ حواله اشاره می‌نماید»،^۲ اما اعتبار اسنادی بدون رضایت ذینفع اعتبار امکان فسخ را ندارد.

۳-۳. نسبت اعتبار اسنادی و تبدیل تعهد^۳

«تبدیل تعهد که یکی از علل سقوط تعهد به شمار آمده است، عبارت است از این که تعهدی در نتیجه تغییر یکی از ارکان آن به تعهدی دیگر تبدیل شود. در این صورت، تعهد اول ساقط و تعهد دیگری جایگزین آن می‌شود».^۴ چنانچه در ماده ۲۹۲ قانون مدنی آمده است: «تبدیل تعهد در موارد زیر حاصل می‌شود: ۱. وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می‌شود، به سببی از اسباب تراضی نمایند، در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود؛ ۲. وقتی که شخص ثالث با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید؛ ۳. وقتی که متعهدله مافی‌الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید.» همان‌طور که از منطوق ماده برداشت می‌شود، تبدیل تعهد به چند اعتبار حاصل می‌شود. تبدیل تعهد به اعتبار متعهد، به اعتبار موضوع و به اعتبار متعهدله. در این دیدگاه، اعتقاد بر این است که اعتبار اسنادی نوعی تبدیل تعهد است و گویی با تحقق آن، نوعی تبدیل تعهد به اعتبار متعهد شکل گرفته است. در نقد این نظر بایستی بیان نمود:

– اولاً، اینکه طرفین عقد پایه (بایع و مشتری) خواسته باشند، تعهد سابق خویش را که پرداخت ثمن معاملی است، به اعتبار اسنادی تبدیل نمایند، امری است که خود نیاز به اثبات دارد؛ چرا که حدوث حادث خود نیازمند اثبات است و به صرف ادعا تحقق نمی‌یابد؛ در واقع، شخصی که مدعی تبدیل نحوه پرداخت ثمن معامله است بایستی

۱. ماده ۷۲۹ قانون مدنی: «هرگاه در وقت حواله محال علیه معسر بوده و محتال جاهل به اعسار او باشد، محتال می‌تواند حواله را فسخ و به محیل رجوع کند.»
 ۲. امامی، (۱۳۶۶). ص ۲۹۳.

اثبات نماید که با طرف دیگر عقد توافق بر جایگزینی روش گشایش اعتبار اسنادی با روش پرداخت نقدی نموده است.

- ثانیاً، چطور می شود اعتبار اسنادی را با نهاد تبدیل تعهد مقایسه نمود، حال آنکه مطابق این نهاد حقوقی، با تحقق آن، متعهد سابق دیگر مسئولیتی به پرداخت مبلغ دین ندارد، در حال که در اعتبار اسنادی همان طور که اشاره شد، متقاضی اعتبار همچنان مسئول است.
- ثالثاً، در تبدیل تعهد تضمینات سابق به تعهد جدید ملحق نمی شود؛ در واقع، اگر در خصوص روش پرداختی سابق شخصی ضمانتی نموده باشد، با جایگزینی اعتبار اسنادی به جای روش پرداخت نقدی، آن تضمین به روش جدید ملحق نمی شود.^۱

۳-۴. نسبت اعتبار اسنادی با وکالت

به موجب ماده ۶۵۶ قانون مدنی، «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید.» موافق تعریف، «صفت ممیز این عقد عبارت است از استثنایه، یعنی این که وکیل قائم مقام موکل بوده و هر امری را انجام دهد، نه فقط به حساب موکل بلکه به نام وی انجام خواهد داد».^۲

در خصوص نسبت میان اعتبار اسنادی با نهاد وکالت این طور بایستی بیان کرد، در واقع، بانک گشاینده اعتبار به وکالت از متقاضی اقدام به گشایش اعتبار به نفع ذینفع می نماید. به رغم شباهت ظاهری این دو عقد، واجد وجوه ممیزه فراوانی هستند.

اولاً، عقد وکالت یک عقد جایز است که به موت طرفین منفسخ می شود؛^۳ حال آنکه اعتبار اسنادی یک تعهد قطعی برگشت ناپذیر بوده که تنها با توافق بانک و ذینفع قابل فسخ است.

۱. ماده ۲۹۳ قانون مدنی: «در تبدیل تعهد تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت، مگر اینکه طرفین معامله آن را صراحتاً شرط کرده باشند.»

۲. عدل. (۱۳۷۳). ص ۳۳۱.

۳. ماده ۶۷۸ قانون مدنی: «وکالت به طریق ذیل مرتفع می شود: ۱. به عزل موکل، ۲. به استعفای وکیل و ۳. به موت یا به جنون وکیل یا موکل»

ثانیاً، در وکالت، وکیل عمل حقوقی را به نام موکل و به حساب او منعقد می‌نماید و اراده او، اراده موکل است؛ حال آنکه در اعتبار اسنادی بانک مستقل از اراده متقاضی اقدام به ایجاد تعهد برای خویش به نفع ذینفع می‌کند.

۴. تحلیل نوین ماهیت اعتبار اسنادی

با توجه به نامناسب بودن توجیهات کلاسیک در خصوص ماهیت اعتبار اسنادی، عده‌ای کوشیده‌اند یک تحلیل جدید را در خصوص ماهیت آن ارائه دهند که در زیر بدان اشاره خواهد شد.

۴-۱. نسبت اعتبار اسنادی و تعهد یک‌طرفی

اصطلاح «تعهد یک‌طرفی» در حقوق معاصر این گونه تعریف می‌شود: «تعهدی که فقط یک اراده انشایی آن را به وجود آورد، یعنی قصد و رضای یک طرف آن را به نفع دیگری ایجاد کند» و به عبارت دیگر، «تعهد و التزامی که ایجادش به اراده یک شخص است».^۱ «در حقوق اسلام، تعهدات یک‌طرفی» را می‌توان در چارچوب «ایقاع» مورد بحث قرارداد. بدیهی است اصطلاح ایقاع مختص به حقوق اسلامی است، اما به هر حال در کشورهای حقوق نوشته و نیز در نظام کامن لا شبیه آن وجود دارد.^۲ «در نظام حقوقی ایران، درباره پذیرش ایقاع اختلاف نظر وجود دارد؛ اما بایستی بیان نمود مواردی یافت می‌شود که در مورد ایقاع بودن آنها میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود دارد. از جمله آنها نهاد أخذ به شفعه بوده که مسلماً یک ایقاع است».^۳

در خصوص تحلیل حقوقی اعتبار اسنادی به عنوان یک ایقاع تعهدآور می‌توان مقرر داشت که پذیرش آن با مشکلات عدیده‌ای همراه است که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

– اولاً، ایرادی که مطرح می‌شود این است که اگر اراده بانک گشاینده بتواند به تنهایی ایجاد تعهدی یک‌طرفه برای ذینفع نماید، همان اراده نیز خواهد توانست، تعهد حادث را از بین ببرد. در پاسخ به این مشکل، بایستی بیان داشت که با ایجاد یک تعهد، ولو با یک اراده،

۱. جعفری لنگرودی. (۱۳۵۴). حقوق تعهدات.

۲. قنواتی، وحدتی شبیری و عبدی‌پور. (۱۳۷۹). ص ۹۴.

۳. کاتوزیان. (۱۳۸۵). حقوق مدنی (درس‌هایی از شفعه، وصیت، ارث). ص ۴۵ و نوری. (۱۳۷۴). ص ۹.

تعهد دیگر امری متعلق به ایجادکننده آن نبوده و با حقوق دیگری همبستگی پیدا می‌نماید؛ بنابراین، آن اراده‌ای که خالق تعهد بوده، دیگر قادر به از بین بردن آن نخواهد بود. چنانکه این موضوع در ماده ۹ مقررات UCP۶۰۰ نیز مطرح شده که بانک نمی‌تواند بدون موافقت ذینفع اقدام به فسخ، اصلاح و یا تغییر اعتبار نماید.

— ثانیاً، با توجه به برخی مصالح اجتماعی، اشخاص نمی‌توانند برای دیگران تعهدی را -ولو آن تعهد حقی به نفع آنها باشد- ایجاد نمایند. در واقع، اگر شخصی بتواند بدون رضایت دیگری حقی را در دارایی او قرار دهد، به نحوی در دارایی او تصرف نموده و این موضوع مخالف با اصل عدم ولایت در حقوق است.

در حقیقت مطابق این اصل کسی بر دیگری ولایت ندارد، مگر به حکم قانون. البته برخی در پاسخ به این ایراد چنین گفته‌اند که ایجاد تعهد در صورتی متضمن نفع طرف مقابل باشد، دیگر عنوان تصرف در دارایی دیگری بر آن اطلاق نمی‌شود.

۴-۲. تحلیل اعتبار اسنادی بر اساس نظریه اعتماد^۱

مطابق دیدگاه مرسوم در حقوق تعهدات، اساساً آنچه که می‌تواند منشأ و منبع ایجاد تعهد شود، همانا اراده بوده و تنها اراده است که خالق تعهدات تلقی می‌شود. این نظریه که مبتنی بر اصل حاکمیت اراده است، طرفداران فراوانی در میان اندیشمندان و صاحب نظران یافته بود؛ مطابق این دیدگاه، سعی می‌شود تمام تعهدات موجود ریشه قرارداد پیدا نماید و به نحوی به اراده متعاقدين نسبت داده شود؛ ولی این موضوع به مرور زمان دستخوش تحول قرار گرفته و دیگر از کلیت آن کاسته شده است.

«امروزه حقوقدانان برای مبنای تعهد، نظریه جدیدی به نام نظریه اعتماد مطرح می‌کنند. این نظریه می‌گوید مبنای تعهد در بسیاری موارد، نه اراده متعهد، بلکه اعتماد و اعتقاد مشروعی است که در طرف مقابل ایجاد شده است. اگر شخصی با عمل خود اعتقادی مشروع و معقول در طرف مقابل ایجاد و طرف مقابل بر مبنای آن عمل کند، یک حق برای اعتمادکننده و یک تکلیف برای ایجادکننده اعتماد به وجود می‌آید. مبنای این تکلیف و تعهد، اراده شخص متعهد نیست که به دنبال منشأ و علت تعهد باشیم،

بلکه همان اعتمادی است که در فرد مقابل ایجاد شده است.^۱ در تطبیق این نظریه با اعتبار اسنادی، این طور گفته شده است که وقتی بانک مبادرت به گشایش اعتبار می‌نماید، منجر به ایجاد اعتمادی برای ذینفع می‌شود و او نیز پیرو آن اقدام به تهیه کالا و یا مقدمات ارسال کالا می‌کند؛ در حقیقت ذینفع به‌ظاهر گشایش اعتبار از ناحیه بانک اعتماد و با اتکالی بدان اقداماتی را انجام می‌دهد.

در نقد این دیدگاه مهم‌ترین ایرادی را که می‌توان مطرح نمود، آن است که بعد اثباتی اصل تحقق اعتماد برای ذینفع و مقدار آن امری قابل خدشه بوده و شاید استناد به این تحلیل مانع از تحقق یک قاعده عام و کلی در این خصوص شود و موجبات تحقق جزمیت و قطعیت را فراهم نگرداند؛ در واقع، مسأله‌ای که مطرح می‌شود، ابهامی است که در مورد اصل بروز اعتماد و میزان آن در طرف مقابل است؛ چرا که ممکن است این موضوع متغیر بوده و از شخصی به شخص دیگر متفاوت باشد.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی مجموع تحلیل‌های صورت گرفته در خصوص ماهیت اعتبار اسنادی و نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود در این حوزه، به نظر می‌رسد در نظر گرفتن اعتبار اسنادی به عنوان یک قرارداد خاص حقوقی که به‌رغم همراه داشتن برخی اوصاف عقود معین، دارای تفاوت‌های بنیادینی با آنها بوده، موجب تمایز آن خواهد شد. تبیین اعتبار اسنادی به عنوان یک قرارداد ویژه با اوصاف خاص خود موجب خواهد شد محدودیت‌های موجود در عقود معین همانند ضرورت ایجاب و قبول و وجود عوض قراردادی مطرح نشود و آن را با اقتضائات روز عرصه تجارت که مستلزم سرعت در مبادلات است، همگام نماییم. زیرا همان‌طور که بیان شد، تسهیل روش‌های پرداختی می‌تواند به عنوان مؤلفه توسعه روابط بازرگانی بین‌المللی تلقی شود.

منابع

- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۳). حقوق تجارت (برات، سفته، چک). تهران، سمت.
- اشمیتوف، کلايوام. (۱۳۷۸). حقوق تجارت بين الملل. ترجمه بهروز اخلاقی، فرهاد امام، سیدمحمد اسبقی نمینی، محمود باقری، امیرحسین طیبی فرد و اسماعیل همت‌دوست. ج ۲، تهران، سمت، چاپ اول.
- اشمیتوف، کلايوام. (۱۳۷۸). دکترین تطبیق دقیق، اصل استقلال اعتبارات اسنادی و آثار حيله و تقلب در این گونه اسناد. ترجمه علی مخبرالصفاء. مجله کانون وکلا، شماره ۱۵۲ و ۱۵۳.
- افتاده، غلامحسین. (۱۳۷۶). مفهوم و تعریف اعتبار اسنادی. نامه اتاق بازرگانی، شماره ۳۵۴.
- امامی، سید حسن. (۱۳۶۶). حقوق مدنی، ج ۲. تهران، اسلامیه، چاپ چهارم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۵۴). حقوق تعهدات. قم، مدرسه عالی امور قضایی و اداری، شماره‌های ۸۱ و ۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۵۴). دوره حقوق مدنی (عقد حواله). تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- رفیعی، محمد تقی. (۱۳۸۶). تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران. نشریه اندیشه‌های حقوقی.
- سماواتی، حشمت اله. (۱۳۸۲). حقوق معاملات بین‌المللی. تهران، ققنوس، چاپ سوم.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۰). حقوق تجارت بین‌الملل. تهران، سمت، چاپ سوم.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۸۴). قواعد عمومی قراردادها. تهران، میزان، چاپ سوم.
- عبدی‌پور، ابراهیم. (۱۳۹۱). مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.
- عدل، مصطفی. (۱۳۷۳). حقوق مدنی. تهران، انتشارات بحرالعلوم، چاپ اول.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی؛ ره پیک، حسن و کیایی، عبدالله. (۱۳۸۹). تفسیر قانون مدنی (اسناد، آراء و اندیشه‌های حقوقی). تهران، سمت، چاپ چهارم.

- قنواتی، جلیل؛ وحدتی شبیری، سید حسن و عبدی پور، ابراهیم. (۱۳۷۹). حقوق قراردادها در فقه امامیه، ج ۱. تهران، سمت، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی (درس‌هایی از شفعه، وصیت، ارث). تهران، میزان، چاپ هفتم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی (عقود اذنی - وثیقه‌های دین). تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- نوری، رضا. (۱۳۷۴). (شفعه-وصیت-ارث) اسباب ثلاثه تملک در حقوق مدنی. تهران، انتشارات پاژنگ، چاپ دوم.
- Dolan. John F. (2002). Letters of Credit .A.S.Pratt,4th ED.
- Mehta. Ravi.(March 2007). Dose UCP600 Soften or End the Doctrine of Strict Compliance? Newsletter No 101.
- Story. Joseph. (1860). Commentaries on the Law of Bills of Exchange. Foreign and Inland, as Administered in England and America.4ed.
- Stoufflet. Jean.(2001-2002). Fraud in Documentary Credit, Letter of Credit and Demand Guaranty, Dickinson Law Review, Vol. 106. Issue 1.
- Thanuja Rodrigo .(2011). UCP500 to UCP600 :A Forward Movment, Murdoch University Electronic. Journal of Law.
- Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (UCP500).
- Wood. Jeffrey S. (Februrary 2008). Drafting Letters of Credit: Basic Issues Under Article 5 of the Uniform Commercial Code, UPC600, and ISP98. Banking Law Journal.

